یادداشت

سیاست‌های ترکیه و اسرائیل در غزه رقابت یا خصومت

ادامه از صفحه اول

از سوی دیگر تجربه نسبتا موفق ترکیه در سوریه در روی کار آوردن احمد الشرع (ابومحمد جولانی سابق) نیز برای ترامپ وسوسه‌انگیز است؛ زیرا این الگو در غزه نیز می‌تواند اجرا شود و از درون گروه‌های مقاومت احمد الشرع تازه‌ای متولد شود.

این امر اسرائیل را نگران حضور یک کشور با قابلیت‌های نظامی، اطلاعاتی و مدیریتی پیشرفته می‌کند که در عین حال عضو ناتو است که مورد حمایت آمریکاست.

اسرائیل از آن بیم دارد که وزن سنگین ترکیه در نیروهای تثبیت‌کننده صلح، قدرت تحرک اسرائیل را به خطر اندازد. همچنین از آنجا که ترکیه از سوی دولت خودگردان فلسطین نیز مورد قبول است، این امر می‌تواند به آشتی ملی میان فلسطینیان کمک و آنگاه راه را برای ایجاد دولت فلسطینی هموار کند و این مسئله‌ای است که می‌تواند اسرائیل را به خانه اول بازگرداند.

در مجموع به نظر نمی‌رسد اسرائیل واقعا در پی موفقیت طرح صلح ترامپ باشد و به همین دلیل نتانیاهو تلاش می‌کند با جلب نظر ترامپ بتواند ترکیه را از مسئله غزه دور نگه دارد و از این طریق فشار سنگینی را بر ترامپ وارد کند.

در عین حال اسرائیل تلاش دارد با بحرانی نگه‌داشتن اوضاع در غزه، لبنان و جنوب سوریه از طریق انجام عملیات روزانه، کل منطقه را ناامن و بی‌ثبات کند. اسرائیل می‌خواهد همچنین با پیچیده نشان‌دادن اوضاع و تکرار خطر ایران، یمن و عراق و افزایش تنش با ترکیه، ساختار صلح منطقه‌ای و پروژه‌های زیرساختی مورد حمایت آمریکا را به نحوی بی‌ثبات نشان دهد.

در واقع تحت تأثیر همین فشارهای اسرائیل بود که دولت آمریکا وادار شد با صدور یک فرمان اجرائی در ۲۴ نوامبر ۲۰۲۵ برخی از شاخه‌های اخوان‌المسلمین را به عنوان سازمانی تروریستی اعلام کند.

البته به نظر نمی‌رسد اختلاف نزدیک به خصومت نتانیاهو با اردوغان فقط به مسئله غزه ختم شود و به گمان اسرائیل، اردوغان قصد دارد میراث‌دار ایران در خاورمیانه باشد و به همین دلیل باید نیروهای همسو با ترکیه در منطقه را مورد تهاجم قرار دهد و در عین حال بلندپروازی‌های ترکیه در شرق مدیترانه را که تا لیبی و قاره آفریقا و دریای سرخ گسترده شده است، با چالش مواجه کند.

اسرائیل با تشکیل ائتلافی با یونان و قبرس عملا تلاش دارد ترکیه را محاصره کند و از آنجا که می‌داند مصری‌ها به گرایش‌های اخوانی ترکیه نظر خوبی ندارند، می‌کوشد در این راه مصر را با خود همراه کند.

دکتر عماد حمدین از مرکز مطالعات استراتژیک اردن می‌گوید: از دیدگاه اسرائیل ورود ارتش ترکیه که عضو ناتو است، می‌تواند اوضاع را برای اسرائیل پیچیده‌تر کند. بنابراین این کشور مداخله مصر با حمایت کشورهای میانه‌رو عربی را ترجیح می‌دهد. از سوی دیگر تصمیم با ترامپ است و او باید تا پایان ماه جاری میلادی تکلیف را روشن کند و بگوید در طرح صلح غزه از میان ترکیه و مصر کدام‌یک را ترجیح می‌دهد. به نظر می‌رسد یکی از اهداف تعیینی دیدار نتانیاهو در دیدار با ترامپ تکلیف این موضوع می‌تواند باشد.

البته نباید از یاد برد که آمریکا و ترکیه منافع گسترده‌ای دارند. ترکیه از توانایی‌هایی برخوردار است که نه در اسرائیل و نه در متحدان عرب آمریکا وجود ندارد. از جمله حضور نظامی ترکیه در سوریه، میانجیگری با گروه‌های اسلام‌گرا و نیز نقش ترکیه در ارتباط با روسیه و ایران را نباید فراموش کرد. در حالت کلی روابط آمریکا و ترکیه فقط در چارچوب ناتو تعریف نمی‌شود.

ترکیه برای آمریکا اهمیت ژئواستراتژیک و اقتصادی دارد، زیرا ترکیه غرب آسیا را به آسیای مرکزی متصل می‌کند و در شرق مدیترانه با اروپا و نیز قاره آفریقا ارتباط می‌یابد. ترکیه برای آمریکا یک شریک کاربردی، راهبردی و جذاب است و در حوزه دریای خزر، دریای سیاه، دریای مدیترانه و حتی دریای سرخ نفوذ دارد.

ترکیه قصد دارد نقش خود را در غزه نیز از اقدامات بشردوستانه و لجستیکی به نفوذ ژئوپلیتیکی ارتقا دهد و با ابتکاراتی که به خرج می‌دهد، جایگاه مناسبی را در ترتیبات اداری و امنیتی غزه به دست آورد. همچنین این کشور خود را برای یک بازار بزرگ در قراردادهای بازسازی و زیرساختی غزه که ظاهرا مورد نظر طرح صلح ترامپ است، آماده می‌کند. البته این امر در صورتی اتفاق خواهد افتاد که نتانیاهو در سفر خود به آمریکا نتواند ترامپ را به دورکردن ترکیه از غزه متقاعد کند و همچنین ترکیه برای آنکه بتواند حضور گسترده‌ای در غزه بیابد، باید با مصر هم به تفاهم برسد، زیرا بدون تفاهم شفاف با مصر، امکان فعالیت لجستیکی در غزه را نخواهد داشت. در عین حال توسعه ساحلی غزه هم قاعدتا با موانع اسرائیلی مواجه است. در مجموع می‌توان گفت ترکیه همچنان در سوریه و تمایل به نفوذ در طرح صلح غزه با دشواری‌های بسیاری روبه‌روست.

از زمان اجرائی‌شدن مرحله اول طرح صلح در اکتبر ۲۰۲۵ رژیم اسرائیل دائما آتش‌بس را در غزه نقض کرده و مرحله دوم صلح را نیز مشروط به خلع سلاح مقاومت می‌داند. همچنین اسرائیل به قطع‌نامه‌ای که پیش‌نویس آن را آمریکا تهیه کرده بود و در ۱۷ نوامبر به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید، بی‌اعتنایی می‌کند و همچنان طرح دو دولتی را نمی‌پذیرد و هرگونه تلاش را در این مسیر با شکست مواجه می‌کند.

اسرائیل همچنان طرح آواره‌سازی و کوچاندن فلسطینی‌ها در غزه را در دستور کار دارد، طرحی که با مواضع محکم مصر و مخالفت بین‌المللی و منطقه‌ای نمی‌تواند قابلیت اجرا پیدا کند. اسرائیل همچنان بر تغییر جغرافیای نوار غزه و عدم استقرار آنان اصرار دارد و قصد دارد کنترل امنیتی و حاکمیتی را در دست خود متمرکز کند.

اسرائیل با ادامه سیاست کاهش جمعیت غزه و نسل‌کشی و نیز نپذیرفتن دولت فلسطینی، خواستار آن است که بر ثروت‌های استراتژیک غزه نظیر میدان گازی تسلط یابد و بنابراین با ایجاد شروط امنیتی و مانع‌تراشی‌های گسترده تلاش می‌کند طرح صلح ترامپ را به تأخیر بیندازد یا آن را به نفع خود تغییر دهد.

واشنگتن نیز از یک سو ترکیه را برای ایفای نقش نظارتی و اجرائی در غزه تشویق می‌کند و از سوی دیگر تحت فشار اسرائیل ناگزیر است مشارکت ترکیه را در روندهای سیاسی محدود کند. به نظر می‌رسد ترکیه با قرارگرفتن در تنگنای ژئوپلیتیکی و الزام برای خروج این کشور از محاصره به دوستانی نظیر جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد.

*** رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه**

ریشه‌های فساد و فرصت بزرگ برای دولت

ادامه از صفحه اول

از جلسات ملال‌آور که نظام تصمیم را به راه‌حل‌های خُرد مشغول می‌کند، حذر کنید و به تصمیم‌های استراتژیک بپردازید؛ یعنی به خروج نهادهای حاکمیتی از اقتصاد که فضای کسب‌وکار ملی را قفل می‌کند، یعنی تخلیه نظام تصمیم‌گیری از قدرت‌های خاص، یعنی رهاسازی ترکیب نهادهای سیاسی از انحصار دست‌های پنهان، یعنی افزایش واقعی مشارکت.

گفت‌وگوی «شرق» با تقی آزادارمکی، درباره ریشه‌های اجتماعی اعتراضات، تفاوت آن با موج‌های پیشین و پیامدهای پیش‌روی جامعه

اعتراضات؛ نشانه چالش‌های حل‌نشده

ما در یک وضعیت بسیار مهم و ویژه معاصر از تحولات و تغییرات اجتماعی ایران قرار داریم وضعیتی که نیازمند یک اقدام عاجل، جدی، فراگیر و همه‌جانبه است

مریم لطفی

اعتراضاتی که در روزهای اخیر با اعتصاب بازاری‌ها آغاز شد و به دانشگاه‌ها، خیابان‌ها و محله‌های شهری تسری پیدا کرد، بار دیگر شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه ایران را آشکار کرده است؛ وضعیتی که نه صرفا یک ناآرامی مقطعی، بلکه نشانه انباشت چالش‌های حل‌نشده، فرسایش سرمایه اجتماعی و نگرانی فزاینده نسبت به آینده است. در همین زمینه، با تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس، درباره ریشه‌های اجتماعی اعتراضات، تفاوت آن با موج‌های پیشین و پیامدهای پیش‌روی جامعه ایران گفت‌وگو کرده‌ایم.

●●●

اعتراضات این روزها با اعتصاب بازاری‌ها آغاز شد و بعد به خیابان، دانشگاه و محله‌ها تسری پیدا کرد. از نظر شما این نقطه شروع چه معنای اجتماعی‌ای دارد و چه تفاوتی با اعتراضات صرفا خیابانی دارد؟

اعتراضاتی که در دی‌ماه اتفاق افتاده با همه اعتراضات پیشین یک تفاوت مهم دارد. نخست اینکه در شرایطی کاملا ملموس و مشخص، تحت عنوان فشارهای اقتصادی شکل گرفته است. مردم به‌طور صریح در متن زندگی روزمره خود فهرست می‌کنند که نارضایتی‌شان از کجا می‌آید؛ از افزایش قیمت دلار، کاهش ارزش پول ملی، رکود اقتصادی و مجموعه‌ای از عوامل که به شکلی نابهنجار نشان می‌دهد وضعیت اقتصادی کشور ناجور است. در کنار این مسئله، جامعه هم‌زمان با ناکارآمدی مدیریتی و نوعی قفل‌شدگی در عمل دولت مواجه است. در چنین وضعیتی، جامعه در یک متن ملموس منتظر یک اقدام جمعی برای برون‌رفت از این شرایط بوده و اعتراضات دقیقا در همین نقطه شکل می‌گیرد. این اعتراض کجا به وقوع می‌پیوندد؟ در بازار. بازار و بازاری‌ها قشری عقلانی در جامعه ایرانی‌اند. اساسا منطق بازار، معامله و کار است. وقتی بازار واکنش نشان می‌دهد، یعنی شرایط واقعا سخت شده است. این یک ویژگی بسیار مهم است. ویژگی دوم، سرایت اعتراض از بازار به دانشگاه، به خیابان، به محله و به گروه‌های اجتماعی متعدد در شهرهای مختلف است. این ترکیب، چند نیروی اجتماعی را هم‌زمان درگیر می‌کند. اگر بخواهیم مقایسه کنیم، در برخی اعتراضات از جمله در سال ۱۴۰۱، نیروهای اصلی عمدتا زنان و جوانان بودند و مسئله، مسئله‌ای مشخص و محدودتر بود. اما در اینجا موضوع به مجموعه‌ای از عوامل بازمی‌گردد که نیروهای اجتماعی متعددی را درگیر کرده است. اگر این وضعیت استمرار پیدا کند، می‌تواند نیروهای بیشتری را نیز با خود همراه کند و ایران را وارد شرایط بحرانی‌تری کند. به نظر من، ما در یک وضعیت بسیار مهم و ویژه معاصر از تحولات و تغییرات اجتماعی ایران قرار داریم؛ وضعیتی که نیازمند یک اقدام عاجل، جدی، فراگیر و همه‌جانبه است.

همان‌طور که اشاره کردید، اعتصاب بازاری‌ها به دانشجویان و اقشار عادی مردم هم تسری پیدا کرده است. به نظر شما این هم‌زمانی نشانه گسترش یک نارضایتی واحد است یا با هم‌پوشانی چند بحران اجتماعی متفاوت روبه‌رو هستیم؟

در واقع با هم‌پوشانی مجموعه‌ای از نارضایتی‌ها مواجهیم که یک فصل مشترک پیدا کرده‌اند و آن هم حوزه زیست مردم و سخت‌شدن زندگی است؛ به‌ویژه محدودیت‌های اقتصادی. شما ناگهان با وضعیتی مواجه می‌شوید که گوشتی که باید ۸۰۰ هزار تومان بخرید، باید یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار تومان تهیه کنید؛ مرغ، تخم‌مرغ و سایر اقلام اساسی به شکل محسوسی گران می‌شوند. مردم این وضعیت را می‌بینند و احساس تنگنا می‌کنند. از سوی دیگر، اقتصاد ایران عملا تعطیل است؛ تولید تعطیل است، بازار تعطیل است، کار وجود ندارد و شغل کمیاب شده است. مسئله فقط گرانی نیست. در برخی شرایط، گرانی وجود دارد اما شغل و فعالیت اقتصادی هم هست. اما وقتی هم گرانی وجود دارد و هم کار و تولید تعطیل است، وضعیت به مراتب بدتر می‌شود. در چنین شرایطی دولت اعلام می‌کند که بودجه ندارد، افزایش قیمت‌ها ممکن است اما افزایش حقوق ممکن نیست. همه اینها نشانه شکل‌گیری یک ترس بزرگ است؛ ترس از آینده‌ای که پیش‌رو دیده نمی‌شود. همین ترس، جامعه را به سمت عمل جمعی سوق می‌دهد.

این عمل جمعی می‌تواند بر یک قصد مشترک استوار باشد، اما در ادامه نارضایتی‌های دیگر هم به آن اضافه می‌شود، شکاف‌های اجتماعی فعال می‌شوند و در نهایت می‌توانند زمینه شکل‌گیری یک بحران بزرگ‌تر را فراهم کنند.

این اعتراضات را می‌توان تداوم اعتراضات سال‌های اخیر دانست یا با یک وضعیت اجتماعی تازه روبه‌رو هستیم؟

آن اعتراضات در این وضعیت حضور دارند، اما این دقیقا همان‌ها نیست. یعنی هم «آنها» در این اعتراضات هستند و هم نیستند. جامعه ایرانی جامعه‌ای است با استمرار بحران‌های بی‌پاسخ و حل‌نشده؛ جامعه‌ای با انباشت بحران‌ها. این بحران‌ها یکی‌یکی روی هم باقی مانده‌اند.

برای مثال، بحران تحصیل‌کرده‌های بیکار. یکی از راه‌های مواجهه با آن، مهاجرت بود یا جذب‌شدن در پلتفرم‌هایی مثل اسنپ. اما این راه‌ها هم تا یک جایی جواب می‌دهند و بعد متوقف می‌شوند. آن‌وقت بحران اشتغال، بیکاری صاحبان تحصیلات، بحران سرمایه، بحران اجتماعی و بحران مسکن همچنان باقی می‌مانند. همه اینها از قبل وجود داشته‌اند و امروز به شکل خطرناک‌تری خودشان را نشان می‌دهند.

در چنین شرایطی، سیاست‌های کنترلی چه تأثیری می‌توانند بر بازتولید یا فروکش‌کردن اعتراضات داشته باشند؟

به نظر من، دولت در این زمینه بهترین اقدام ممکن را انجام داده است. نخست اینکه این بحران را به رسمیت شناخته و پذیرفته که این وضعیت محصول مشکلات خود ماست. وقتی بحران پذیرفته می‌شود، باید مدیریت شود، نه اینکه با آن مداخله امنیتی شود. به همین دلیل می‌بینیم رئیس‌جمهور با بازاری‌ها گفت‌وگو می‌کند، وزارت علوم با دانشگاهیان وارد تعامل می‌شود و اعلام می‌شود که هیچ‌کس بدون کارت نباید وارد دانشگاه شود. این یعنی نیروهای امنیتی وارد دانشگاه نشوند و دانشگاه خودش مسئله را مدیریت کند. اینها به نظر من مسیرهای درستی است. اما اگر همه این رویکردها کنار گذاشته شود و فضا به سمت امنیتی‌شدن برود، می‌تواند دردسرهای بسیار جدی‌تری ایجاد کند.

با این توضیحات، می‌توان گفت منشأ اصلی اعتراضات اخیر، معیشت و ناامنی اقتصادی است؟

تا حد بسیار زیادی بله. اما در عین حال باید توجه داشت که دشمن هم از این وضعیت استفاده می‌کند. این‌طور نیست که بگوییم دشمن کنار می‌رود. الان بهترین موقعیت برای سوءاستفاده است؛ به‌ویژه در جهانی که ترامپ در آن حضور دارد و نوعی توحش سیاسی را به نمایش می‌گذارد. او تهدید می‌کند، فشار می‌آورد و حتی ممکن است به سرکوب یا حمله فکر کند، اما این مسئله ربطی به اصل ماجرا ندارد. ما باید مسائل خودمان را حل کنیم. اگر انسجام ملی داشته باشیم، معترضان را به رسمیت بشناسیم و صادقانه به آنها بگوییم که مشکل داریم و در حال تلاش برای حل آن هستیم، آن‌وقت دشمن کاری از پیش نمی‌برد. من همیشه این مثال را می‌زنم: وقتی بدهکار هستید و طلبکار دم در خانه شماست، چند راه دارید؛ می‌توانید پنهان شوید، می‌توانید دعوا کنید، یا می‌توانید صادقانه بگویید پول ندارم اما ضمانت می‌دهم که پرداخت می‌کنم. در حالت سوم، طلبکار هم کنار می‌آید. جامعه هم همین‌طور است. اگر جامعه احساس کند مدیرانش صادقانه با او رفتار می‌کنند و قصد واقعی برای رفع مشکلات دارند، در سختی‌ها می‌ماند بدون اینکه تخریب کند. اما اگر با مردم برخورد شود، اگر سرکوب شوند، جامعه هم وارد مسیر تخریب می‌شود و فضا را بحرانی‌تر می‌کند. دشمن سر جای خودش هست؛ نتانیاهو هست، ترامپ هست، غرب هست، روسیه هست، همه هستند. اما ما باید به اصلاح شیوه‌های خودمان برگردیم. من قبلا هم گفته‌ام که ما باید وارد مرحله‌ای شویم که از آن با عنوان «جمهوری اسلامی سوم» یاد می‌کنم؛ مسیری برای اصلاح و بازسازی، به‌جای رفتن به سمت فروپاشی.

فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی تا چه حد زمینه‌ساز بازگشت سریع اعتراضات شده است؟ آیا می‌توان گفت این وضعیت، پیش‌زمینه اعتراضات اخیر بوده است؟

جامعه امروز به این نقطه رسیده که می‌گوید من اعتماد ندارم که سیستم بتواند آینده مرا بسازد. نگاه جامعه به آینده، روزبه‌روز منفی‌تر می‌شود. این یعنی سرمایه اجتماعی فرو ریخته است. حالا سؤال این است که چه باید کرد؟ این سرمایه اجتماعی باید بازسازی شود. آیا خود دولت یا نظام سیاسی می‌تواند به‌تنهایی این کار را انجام دهد؟ نه الزاما. بازیگران دیگری هم وجود دارند. مهم‌ترین آنها طبقه متوسط ایران است. باید به طبقه متوسط اجازه داده شود که وارد بازی شود، سرمایه اجتماعی‌ای را که در اختیار دارد سرایت دهد، سرمایه اجتماعی تولید کند و نوعی میان‌داری اجتماعی انجام دهد تا جامعه از فروریختن، عصیانگری، بی‌زمانی و منزوی‌شدن نجات پیدا کند و دوباره روح بگیرد. سینمای ایران، موسیقی ایران، استادان، شاعران و نویسندگان ایران سرمایه‌های بسیار مهمی هستند، اما ما به‌جای دعوت از آنها، اغلب تنبیه‌شان می‌کنیم. در حالی که حتی یک سرود، یک شعر، یک قطعه موسیقی، یک صدای دل‌انگیز که در جامعه طنین بیندازد، می‌تواند جامعه را شاد کند و دست‌کم آن را از اقدام خشونت‌آمیز دور نگه دارد تا جامعه بتواند در انتظار اصلاح بایستد. این کاری است که باید انجام شود.

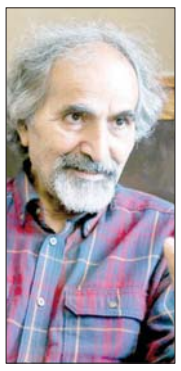

فکر می‌کنید امکان و اراده انجام چنین مسیری وجود دارد؟

واقعا چاره دیگری وجود ندارد. مصالحه با جامعه کار سختی نیست. این مسئله به عقلانیت برمی‌گردد. عقلانیت همیشه در شرایط عادی ظهور نمی‌کند؛ عقلانیت در ضرورت‌ها و تنگناها خودش را نشان می‌دهد. ما الان دقیقا به نقطه ضرورت رسیده‌ایم. اینجاست که عقلانیت می‌تواند ظهور کند و کمک کند. من انتظار دارم چنین عقلانیتی در نظام سیاسی شکل بگیرد تا ما را از این بحران نجات دهد.

شما ناگهان با وضعیتی مواجه می‌شوید که گوشتی که باید ۸۰۰ هزار تومان بخرید، باید یک میلیون‌و ۲۰۰ هزار تومان تهیه کنید؛ مرغ، تخم‌مرغ و سایر اقلام اساسی به شکل محسوسی گران می‌شوند. مردم این وضعیت را می‌بینند و احساس تنگنا می‌کنند. از سوی دیگر، اقتصاد ایران عملا تعطیل است؛ تولید تعطیل است، بازار تعطیل است، کار وجود ندارد و شغل کمیاب شده است. مسئله فقط گرانی نیست. در برخی شرایط، گرانی وجود دارد اما شغل و فعالیت اقتصادی هم هست. اما وقتی هم گرانی وجود دارد و هم کار و تولید تعطیل است، وضعیت به مراتب بدتر می‌شود

به عقیده شما جامعه ایران وارد مرحله‌ای از عادی‌شدن اعتراضات شده است؟

خیر اصلا عادی نشده است. عادی‌شدن یعنی جامعه اعتراض کند، مثلا صبح ساعت هشت مردم تظاهرات کنند و بعد به خانه‌هایشان برگردند و زندگی ادامه پیدا کند. اما این وضعیت با خشونت همراه است. اعتراضات تکثیر می‌شود، هیجان بالا می‌رود، دشمن هم برای تحریک آن تلاش می‌کند و جامعه هرچه جلوتر می‌رود، هیجانی‌تر می‌شود. این وضعیت عادی نیست. می‌تواند به بن‌بست برسد، می‌تواند خشونت شکل بگیرد، حتی می‌تواند پای مداخله خارجی را هم وسط بکشد. هیچ‌کدام از اینها نشانه عادی‌شدن نیست. اتفاقا باید راه نجاتی پیش گرفته شود.

دانشگاه

گزارش «شرق» از آخرین وضعیت دانشگاه‌ها

روزهای پرتنش دانشجویان

محمدحسین موسوی: در هفته گذشته، گزارش‌های متعددی از همراهی دانشجویان با اعتراضات معیشتی در سطوح مختلف کشور به گوش رسیده است؛ اعتراضاتی که با وجود تأکید وزارت علوم بر «برخورد مصالحت‌آمیز» با این تجمعات، تعدادی از دانشجویان بازداشت شدند. از سمت دیگر، دانشجویان با اطلاعیه تعطیلی دانشگاه‌ها و برگزاری مجازی کلاس‌ها در هفته پیشرو مواجه شده‌اند؛ تصمیمی که بدون اطلاع قبلی و پیش از پایان ترم گرفته شده و مشکلات تحصیلی زیادی را به‌ویژه برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی ایجاد کرده است. دانشگاه‌های «تهران»، «شهید بهشتی»، «صنعتی شریف»، «علامه طباطبایی»، «خواجه نصیرالدین طوسی»، «علم و صنعت»، «البرز» و «علم و فرهنگ» مجازی شده‌اند؛ تصمیمی که طی اطلاعیه‌های جداگانه در صفحات رسمی دانشگاه‌ها اعلام شده است. این تصمیم اما فقط مربوط به کلاس‌ها نیست؛ دانشگاه «صنعتی شریف» دستور تخلیه خوابگاه‌های این دانشگاه تا روز یکشنبه ۱۴دی‌ماه را نیز صادر کرده است و دانشگاه البرز حضور در کتابخانه و فضاهای رفاهی دانشگاه را ممنوع اعلام کرده و شایعاتی از اعمال همین محدودیت‌ها در دیگر دانشگاه‌ها وجود دارد؛ مثلا در «دانشگاه تهران» اطلاعیه‌ای درباره لزوم اعلام اسامی به حراست توسط استادان دانشگاه برای صدور مجوز حضور در دانشگاه صادر شد که پس از انتشار، اجرای این طرح هنوز مورد تأیید قطعی مسئولان دانشگاه قرار نگرفته است. «پیرو گزارش‌های دریافتی طی ساعات اخیر شماری از دانشجویان تماس‌هایی را از سوی شماره‌های خصوصی خطاب به خودِ دانشجو یا خانواده ایشان دریافت کرده‌اند»؛ این اطلاعیه‌ای است که کانال شورای صنفی دانشگاه شهید بهشتی روز شنبه منتشر کرده است.

میراث

درخواست ثبت جهانی بافت تاریخی شوشتر

مهر: مردم شهر تاریخی شوشتر در طومار و فعالیت‌های اجتماعی خواستار ثبت جهانی بافت این شهر شدند. بافت تاریخی شوشتر یکی از کهن‌ترین و منسجم‌ترین بافت‌های شهری ایران است که ریشه‌های آن به دوران ایلامی، هخامنشی و به‌ویژه ساسانی بازمی‌گردد. این بافت در پیوندی مستقیم با رود کارون و نظام آبی منحصربه‌فرد شوشتر شکل گرفته و محله‌ها، گذرها، پل‌ها، خانه‌های تاریخی، مساجد، بازارها و سازه‌های وابسته به آب را در یک کلیت زنده و تاریخی کنار هم حفظ کرده است. شوشتر نه‌فقط مجموعه‌ای از بناها، بلکه نمونه‌ای روشن از یک شهر تاریخی است که براساس دانش بومی، اقلیم گرم و مدیریت هوشمندانه منابع آب طراحی شده است. آنچه بافت تاریخی شوشتر را متمایز می‌کند، تداوم زندگی در آن است. بسیاری از خانه‌ها، ساباط‌ها، گذرهای باریک و فضاهای عمومی هنوز کارکرد اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند و این بافت صرفا یک «موزه روباز» نیست، بلکه بخشی از زیست روزمره مردم شهر به شمار می‌رود. همین تداوم حیات شهری، ارزش فرهنگی و انسانی بافت شوشتر را دوچندان و آن را به نمونه‌ای کم‌نظیر از همزیستی میراث و زندگی معاصر تبدیل کرده است. مردم شوشتر خواهان ثبت جهانی این بافت هستند؛ زیرا معتقدند ارزش‌های تاریخی و فرهنگی آن فراتر از چند بنای شاخص است و باید به عنوان یک مجموعه یکپارچه مورد حفاظت قرار گیرد. ثبت جهانی می‌تواند مانع تخریب‌های تدریجی، ساخت‌وسازهای نامتجانس و از بین رفتن هویت تاریخی محله‌ها شود و نگاه حفاظتی را از بناهای منفرد به کل ساختار شهری ارتقا دهد. از نگاه شهروندان و فعالان میراث فرهنگی، ثبت جهانی بافت تاریخی شوشتر علاوه بر حفاظت می‌تواند به توسعه پایدار گردشگری، ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای ساکنان و احیای مشاغل سنتی کمک کند. آنها بر این باورند که شوشتر، با تکیه بر پیشینه تمدنی و نظام شهری-آبی منحصربه‌فرد خود، شایستگی آن را دارد که در فهرست میراث جهانی یونسکو به عنوان نمونه‌ای برجسته از شهرسازی تاریخی در اقلیم گرم و خشک شناخته شود.